

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۴۰، پیاپی ۱۳۰، زمستان ۱۳۹۷

تحلیلی تاریخی از زمینه‌های پیدایش برنامه‌ریزی توسعه‌ای و شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران (دوره پهلوی ۱۳۰۴-۵۱۳۲۷.ش)^۱

علی شهوند^۲
حبیب‌اله سعیدی‌نیا^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۵

چکیده

برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه در ابتدای قرن بیستم و به دنبال تحولات بین‌المللی میان دو جنگ جهانی و پس‌از آن از سوی غالب کشورهای توسعه‌نیافته پیگیری شد. در ایران پیدایش اندیشه برنامه‌ریزی و تجربه تلاش در عملی‌ساختن آن در مقطعی کوتاه، پیش از گرایش گسترده در سطح بین‌المللی، طی حکومت رضاشاه به منصف ظهور رسید. به دنبال تحولات بین‌المللی و داخلی پس از جنگ جهانی دوم بازآفرینی اندیشه برنامه‌ریزی در میان جامعه و دستگاه حاکمه ایران شکل گرفت و گرایش به آن پیگیری شد. تلاش در تدوین نخستین برنامه و استقرار نظام برنامه‌ریزی در این زمان چهار سال به طول انجامید. طی این دوره استفاده از دانش تخصصی شرکت‌های مشاوره‌ای آمریکا به توصیه بانک

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.18618.1541

۲. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خلیج فارس بوشهر؛ Alishahvand@chmail.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر (نویسنده مسئول)؛ saeedinia@pgu.ac.ir

بین‌المللی ترمیم و توسعه موجب شده تا استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران در راستای منافع نظام سرمایه‌داری ارزیابی گردد. پژوهش حاضر مسئله‌ی چگونگی پیدایش نظام برنامه‌ریزی در ایران را با سؤال استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران حاصل اندیشه و نیاز داخلی بوده یا برنامه‌ای تحمیلی در راستای منافع نظام سرمایه‌داری مورد بررسی قرار داده و این فرضیه که: هرچند اندیشه برنامه‌ریزی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، اما هدایت و استقرار آن پس جنگ جهانی دوم متأثر از شرایط بین‌الملل از سوی ایالات متحده، در راستای اهداف و مطامع نظام سرمایه‌داری صورت گرفت، را تحلیل و ارزیابی می‌کند. این پژوهش به روش تاریخی و با تکیه بر اسناد و منابع نو، منشأ و سرچشمه ایرانی نظام برنامه‌ریزی را اثبات می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: نظام برنامه‌ریزی، پهلوی دوم، برنامه عمرانی، سرمایه‌داری، برنامه هفت‌ساله.

۱. مقدمه

برنامه‌ریزی به‌عنوان یک نقشه راه را ذیل عنوان نقشه و یا واژه‌های بیگانه «پلن» و «پروگرام» در متون دوره قاجاریه می‌توان یافت؛ اما برنامه‌ریزی به‌عنوان یک نظام تخصیص منابع هدفمند در دوره پهلوی دوم ضمن بررسی ازسوی دستگاه حاکمه و مجلس شورای ملی به‌عنوان روشی جهت نیل به اهداف توسعه‌ای پذیرفته شد و به دنبال آن سازمانی متوکی امر برنامه‌ریزی با نام سازمان برنامه در ایران شکل گرفت. رویکرد به برنامه‌ریزی و پیدایش اندیشه برنامه‌ریزی تحولی دفعتاً و یک‌باره در ساختار اقتصادی ایران نبود بلکه تولد سازمان برنامه و گرایش به برنامه‌ریزی را می‌توان در واقع ادامه روند اصلاحاتی دانست که در دوره قاجاریه و خصوصاً پس از مشروطه در نظام دیوانی و ساختار اقتصادی ایران آغاز شده بود. گرایش به برنامه‌ریزی در دوره رضاشاه اگرچه مغایر با روش رضاشاه بود اما از سوی برخی افراد روشنفکر جامعه مطرح شد و در پاره‌ای موارد نیز صورت عمل به خود گرفت؛ اما این نخستین اقدامات در شکل دهی و استقرار نظام برنامه‌ریزی طی این دوران تداوم نیافت و به‌زودی از صحنه دیوان‌سالاری حکومت پهلوی اول کنار گذاشته شد.

۲. بیان مسئله

تحولات بین‌المللی طی جنگ جهانی دوم و پس از آن، تمایل کشورهای توسعه‌نیافته به برنامه‌ریزی را در راستای نیل به اهداف توسعه‌ای به دنبال داشت. ایران نیز به دنبال این تحولات و

برخی رویدادهای داخلی از جمله نخستین کشورهای بود که به برنامه‌ریزی روی آورد. رویکرد به برنامه‌ریزی در ایران هم‌زمان با اوج توجه به مفهوم و نقش برنامه‌ریزی در جهان بود؛ اما این بار بررسی و تدوین یک برنامه و رسیدن به یک نظام برنامه‌ریزی در کشور تقریباً چهار سال به طول انجامید. چگونگی استقرار نظام برنامه‌ریزی و تحولات مربوط به آن که موجب شد تا این ساختار به‌عنوان یک برنامه وارداتی و در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری معرفی گردد و از سوی دیگر زمینه‌های گرایش به برنامه‌ریزی در داخل ایران مسئله پژوهش حاضر است.

۳. سؤال و فرضیه پژوهش

سؤال: استقرار نظام برنامه‌ریزی و شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران حاصل نیاز و اندیشه ایرانیان بوده یا یک برنامه تحمیلی از سوی عوامل نظام سرمایه‌داری غرب به‌ویژه آمریکا؟
فرضیه: علاوه بر سابقه گرایش و توجه به برنامه‌ریزی در ایران هدایت و برپایی نظام برنامه‌ریزی پس از جنگ جهانی دوم در راستای تقابل دو منشأ برنامه‌ریزی در جهان از سوی آمریکا صورت گرفت تا سمت‌وسوی ساختار برنامه‌ریزی در ایران را در جهت اهداف سیاسی نظام سرمایه‌داری قرار دهد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تبیین زمینه‌ها و عقبه توجه و گرایش به برنامه‌ریزی در داخل ایران طی دوران پهلوی تا سال ۱۳۲۷، به روش تاریخی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اسناد، منابع کتابخانه‌ای و متون دست اول به تحلیل و بررسی موضوع می‌پردازد.

۵. پیشینه پژوهش

در راستای موضوع این پژوهش هرچند مطالبی را به‌صورت پراکنده در برخی تألیفات دوره پهلوی دوم و یا تحقیقات جدید خصوصاً در حوزه تاریخ اقتصادی می‌توان یافت؛ اما پژوهشی که به‌طور مستقل موضوع زمینه‌های شکل‌گیری سازمان برنامه را مورد بررسی قرار دهد صورت نگرفته است.

۶. برنامه‌ریزی اقتصادی و گرایش به آن در سطح بین‌المللی

در شرایطی که حاکمیت مکتب اقتصادی کلاسیک با اندیشه نظام اقتصاد بازار و مکانیسم قیمت به کمک دست نامرئی بر جهان سرمایه‌داری هرگونه دخالت دولت در اقتصاد را نفی می‌کرد، در ۲۱ دسامبر ۱۹۲۱ نخستین برنامه دولتی به‌منظور تأمین برق سراسری روسیه به هشتمین کنگره شوراهای

ارائه گردید (مارشفسکی، ۲۵۳۵: ۳). بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی اقتصادی با الهام از آموزه‌های مارکس و انگلس در جایگزینی اقتصاد ارادی به جای اقتصاد آشفته بازار در اتحاد شوروی نشو و نما یافت.

رکود گسترده‌ای که اندکی پس از جنگ جهانی اول با نوسان در اغلب کشورهای جهان رخ نمود به تدریج به یک بحران تبدیل شد که هیچ‌کس برای آن راه چاره‌ای نمی‌یافت. عمیق‌ترین و گسترده‌ترین بحران اقتصادی قرن بیستم که با سقوط وال‌استریت^۱ از آمریکا شروع شد با سرایت به دیگر کشورها، جهان را به سمت فقر درمانده‌کننده‌ای سوق داد که تنها اتحاد شوروی با افزایش تولید صنعتی خود از آن مستثنی بود (گرنویل، ۱۳۷۷: ۲۸۳). اگرچه برنامه‌ریزی دولتی استالین در عمل سختی‌هایی بزرگ‌تر از آنچه در غرب اتفاق افتاده بود تحمیل کرد (همان)، اما بحران بزرگ زمینه افزایش طرفداران سوسیالیست‌ها را در دهه ۱۹۳۰ فراهم آورد (هانت، ۱۳۸۱: ۳۴۸) و هواداران مکتب مارکس را نسبت به تحقق نظریات وی امیدوار ساخت (استورات، ۱۳۶۹: ۱). کسادی بزرگ ترس و نگرانی را بر جهان سرمایه‌داری مستولی نمود تا آنجا که نظام سیاسی و ساختار قدرت در چندین کشور فرو ریخت (همان، ۱). بحران عظیم با توجه به پیش‌بینی کارل مارکس^۲ بنیان‌گذار کمونیسم، این تصور را موجب شد که زمان فروپاشی نظام اقتصاد سرمایه‌داری و انقلابات کارگری در کشورهای سرمایه‌داری فرارسیده است (موسوی جهرمی، ۱۳۸۹: ۲۶۷). تلاش جهان سرمایه‌داری برای خروج از بن‌بست کسادی بزرگ و از سوی دیگر ناتوانی اقتصاددانان کلاسیک در پاسخ‌گویی و حل مشکلات پیش‌آمده تحولی عظیم را در نظام اقتصاد جهان رقم زد.

جان مینارد کینز^۳ اقتصاددان بزرگ بریتانیایی با انتشار کتاب «نظریه‌های عمومی اشتغال، بهره و پول» انقلابی عظیم را در اقتصاد سرمایه‌داری به وجود آورد. از آنجا که عقاید کینز جهان را از بحران اقتصادی نجات داد وی را بنیان‌گذار علم اقتصاد جدید دانسته‌اند. او طی همین دوران در پی‌ریزی و اجرای سیاست‌احیای اقتصادی آمریکا معروف به نیودیل^۴ به روزولت مشورت داد (تفضلی، ۱۳۹۳: ۴۴۸). آن‌ها در همین راستا برنامه طرح توسعه منطقه وسیع دره رودخانه تنسی را به‌منظور کاهش آثار مخرب بحران بزرگ در یکی از عقب‌مانده‌ترین و فقیرترین مناطق آمریکا، که قسمت‌های زیادی از هفت ایالت آن کشور را در برمی‌گرفت، به اجرا گذاشتند.

1. Wall Street
2. Karl Marx
3. John Maynard Keynes
4. New Deal Policy

جدا از مذاکرات اقتصادی کینز با ایالات متحده، وی به تدارک مقدمات قرارداد پولی برتن وودز^۱ و تشکیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ترمیم و توسعه پرداخت (استوارت، ۱۳۶۹: ۱۳؛ تاریخ مختصر عقاید اقتصادی، ۱۳۵۲: ۳۵۰). انگاره‌های جدید کینز به سرعت مورد قبول بیشتر اقتصاددانان معروف قرار گرفت (هانت، ۱۳۸۱: ۳۶۴). انقلاب کینز نقش اقتصادی دولت را تا حد زیادی گسترش داد. زین پس دولت‌ها در چارچوب یک اقتصاد بازار مسئولیت تثبیت فعالیت‌های کلی اقتصادی را از طریق سیاست‌های پولی و مالی با هدف برقراری اشتغال کامل بدون تورم به عهده گرفتند (تودارو، ۱۳۷۸: ۴۷۹).

۷. اصلاحات اقتصادی و فراز و فرود ایده برنامه‌ریزی

در ایران قبل از جنگ جهانی دوم

وخامت اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران طی جنگ جهانی اول و پس از آن، علاوه بر این که برای مدتی ساختار دیوان‌سالاری نوپای مشروطیت را از هم گسیخت نیاز به اصلاحات گسترده اقتصادی را هر چه بیشتر برای هیئت حاکمه و خصوصاً جامعه ایران نمایان ساخت؛ لذا همچنان که ساختار سیاسی کشور تحولی سترگ را تجربه می‌کرد نیاز به اصلاح امور مالی و اقتصادی نیز بیشتر نمایان می‌شد. میلسپو می‌نویسد: «ایرانیان می‌دانستند که اصلاحات مالی شرط قبلی هرگونه پیشرفت داخلی و ترقی کشور است» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵). مجلس اصلاح کلاف سردرگم نظام مالی ایران (شوستر، ۱۳۸۵: ۷۳) را ضمن توجه به رقابت‌های استعماری دول خارجی در آبان ماه ۱۲۸۹ با استخدام مستشار مالی از آمریکا جهت سامان بخشیدن به اوضاع آشفته خزانه‌داری «قرون وسطایی» کشور مورد توجه قرار داده بود (همان، ۵۱). ضرورت اصلاحات مالی و جلوگیری از حیف و میل اموال عمومی در بیانیۀ رهبر سیاسی کودتای سوم اسفند، که در واقع اولین برنامه دولتی در دوره قاجار محسوب می‌شود، نیز مورد تأکید قرار گرفته است (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۲۹). همچنین توجه نمایندگان مردم به اصلاحات اقتصادی در مجلس پنجم منجر به تشکیل کمیسیون شش نفره اقتصادیات برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی بعضاً با حضور مسئولین اقتصادی کشور شده بود. (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانون‌گذاری، ۱۳۵۰: ۴۷۱؛ مرکز اسناد ملی، ش - ب ۲۴۰/۱۰۲۲۱: ۳-۱).

۱. کنفرانس برتن وودز (Bretton Woods) همایشی در شهر برتن وودز در سال ۱۹۴۴ بود که بسیاری از ابزارهای تجارت بین‌الملل مثل صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک بین‌الملل ترمیم و توسعه پایه‌گذاری شد.

دیکتاتوری رضاشاه روند اصلاحات اقتصادی را دگرگون ساخت. برنامه‌های اقتصادی رضاشاه باهدف تبدیل ایران از فروپاشی به سوی امنیت و استحکام (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۵۱) فرایند اصلاح و نوسازی را به شکلی اقتدارگرایانه و از بالا در ابعاد گسترده تری ادامه داد. تأسیس وزارت اقتصاد ملی در دوره رضاشاه در همین راستا قابل ارزیابی و مذاقه است (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۸۱). هرچند تبعات اجتماعی اصلاحات اقتصادی وی از جهاتی برای توسعه اجتماعی - سیاسی کشور بیش از توسعه اقتصادی آن اهمیت داشت (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۵۱)، رضاشاه در هنگام افتتاح مجلس هشتم اظهار امیدواری کرده بود که پارلمان جدید اقتصادی خواهد بود (دیگار، ۱۳۷۷: ۹۵).

نخستین سابقه برنامه‌ریزی توسعه در ایران، که به‌زعم بسیاری به‌دنبال تأمین نسبی امنیت در کشور و توجه ویژه رضاشاه و وزرای مالیه او به اصلاحات اقتصادی صورت گرفت (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳۹)، تنظیم یک برنامه عمرانی هفت‌ساله برای کشور و ارائه آن در کتابی مشتمل بر مجموعه مقالات اقتصادی است. مهندس علی زاهدی نخستین اندیشمندی است که یک برنامه هفت‌ساله را با آغازی در سال ۱۳۱۱ برای ایران پیشنهاد نمود (زاهدی، ۱۳۴۲: ۵۵). وی می‌نویسد: «به‌طور خلاصه نهضت صنعتی ایران امروز محتاج یک پروگرام جامعی است که خطوط برجسته مالی، فنی و اداری صنایع را رسم نموده از اقدامات متشت و بی‌اساس و بی‌رویه جلوگیری نموده باعث شود با قلیل استعداد مالی که ما داریم متتها نتیجه عملی را پس از چند سال به دست آوریم» (همان، ۱۸). در اینجا آنچه لازم به مذاقه است نحوه ارائه ایده برنامه‌ریزی از سوی زاهدی است؛ زیرا به‌رغم آنکه زاهدی بعدها پس از تشکیل نخستین شورای اقتصاد عضو این شورا بود (مرکز اسناد ملی، ش ب ۱۳۵۳۸/۲۴۰: ۱)؛ اما وی اندیشه خود را صرفاً به‌صورت یک پیشنهاد علمی ارائه نموده و مورد توجه و امعان نظر هیچ‌یک از مقامات و مسئولین وقت قرار نگرفته و در شورای اقتصاد نیز مطرح نشد (عظیمی آرانسی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). بدین ترتیب امکان تحلیل و ارزیابی عکس‌العمل دستگاه حاکمه در خصوص طرح زاهدی وجود ندارد.

در سال ۱۳۱۶ نخستین اقدام جدی و عملی در راستای برنامه‌ریزی تأسیس شورای اقتصاد به پیشنهاد اداره کل تجارت بود که وظیفه طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه طریق در اجرای آن را به عهده داشت (توفیق، ۱۳۸۵: ۲۳). شورای اقتصاد به‌رغم تشکیل چندین جلسه و بررسی برخی مسائل کشور نظیر کمبود کارگر برای توسعه صنایع و کشاورزی، موارد بهداشتی و مسائل عمرانی کارون (مرکز اسناد ملی، ش ب ۱۳۵۳۸/۲۴۰: ۱-۳) در این زمان دولت مستعجل بود و اندکی بعد، جدا این که موافقت رضاشاه را در بادی امر کسب نموده بود بدون آن که موفق به تنظیم برنامه‌ای گردد با شکست مواجه شد. ابوالحسن ابتهاج که ریاست دبیرخانه شورای اقتصاد را برعهده داشت

علت شکست آن را عدم اعتقاد محمود بدير وزير ماليه وقت به برنامه‌ريزي و از همه مهم‌تر عدم اعتقاد رضاشاه به تمرکز کارهای عمرانی می‌داند و یادآور می‌شود: «به عقیده او [رضاشاه] کلیه کارهایی که در راه اصلاحات صنعتی و اقتصادی ایران لازم بود به عمل آید می‌بایستی به ابتکار و دستور او باشد» (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۰۴). ابتهاج همچنین در سال ۱۳۱۸ پیشنهاد خود مبنی بر تمرکز کارهای اقتصادی و داشتن برنامه را به نخست‌وزیر وقت احمد متین‌دفتري ارائه کرد لیکن جوابی دریافت نمود. بعدها متین‌دفتري عدم دریافت پاسخ از دفتر رضاشاه را دلیل بدون جواب ماندن نامه ابتهاج بیان نموده بود (همان، ۳۰۷). بدین ترتیب متأثر از طرز عمل دیکتاتوری رضاشاه، که تجلی این گونه افکار را در قالب نهادهای مستقل بر نمی‌تافت، هرگونه فکر برنامه‌ريزي طی این دوران به مقصود نرسیده و با شکست مواجه می‌شد.

۸. تحولات منجر به استقرار نظام برنامه‌ريزي و شکل‌گيري سازمان برنامه در ایران

ضرورت اصلاح مالی و اقتصادی در ایران پس از کناره‌گيري رضاشاه از سلطنت همچنان احساس می‌شد امری که مردم و جامعه ایران نیز بدان واقف بودند. چنان‌که به قول میلسپو: «خود ایرانی‌ها معمولاً جزء اولین کسانی هستند که به نابسامانی‌های مالی و اداری خود اقرار می‌کنند» (میلسپو، ۲۵۳۶: ۳۸). نابسامانی‌های مالی که استخدام مستشار به منظور اصلاح اوضاع مالی ایران را ضروری می‌نمود پس از پانزده سال دوباره میلسپو را به ایران آورد. به‌رغم این‌که طی این دوران افراد تحصیل کرده و متخصص در کشور وجود داشتند که قادر به گرداندن چرخ لنگ اقتصاد ایران بودند اما سابقه خوب میلسپو و شاید هم اعمال نفوذ آمریکا، که در آن موقع به دلیل کمک‌های بی‌دریغ خود به متفقین سمت سروری داشت، دوباره دولت ایران را قانع نمود تا میلسپو را برای اداره امور مالی استخدام نماید (همان، ۱۶). این مأموریت میلسپو در راستای ارائه برنامه‌ای برای مدیریت اقتصاد ایران در این زمان، تأثیر مثبتی از خود برجای نگذاشت (بالدوین، ۱۳۹۴: ۵۳).

روزنامه اطلاعات در مردادماه ۱۳۲۳ در سلسله مقالاتی تحت عنوان «اقتصاد بعد از جنگ و ایران» به قلم دکتر علی‌اکبر اخوی ضمن انتقاد از عدم توجه به اقتصادیات و نبود سودای شایستگی در امور اقتصادی به تلاش مکرر خویش در گوشزد نمودن نتایج شوم «بی‌نقشگی و بی‌توجهی به اصول اقتصادی» توجه می‌دهد (اطلاعات، س ۱۹، ش ۵۵۳۸، یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۲۳: ۵). پانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۵ همین روزنامه در مقاله‌ای دیگر ضمن اشاره به تکرار موضوع برنامه‌ريزي در گذشته، نخستین شرط اجرای اصلاحات اساسی در کشور را داشتن برنامه و هدف و تاکتیک از سوی دولت بیان می‌کند (اطلاعات، س ۲۰، ش ۶۰۱۸، یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵: ۵). همچنین

چند روز بعد در ۲۲ همین ماه روزنامه اطلاعات در مقاله‌ای تحت عنوان «نقشه پنج‌ساله» نوشت: «از مدت‌ها پیش ما هروقت درباره اصلاحات کشور بحث نمودیم متذکر شدیم که برای اصلاحات نقشه و برنامه عمل چندساله لازم است و بدون نقشه و برنامه ممکن نیست که بتوان اصلاحاتی را که لازم است در این کشور عمل نمود و مردم را از فقر فاقه و مشکلات گوناگون مادی و معنوی نجات داد» (اطلاعات، س ۲۰، ش ۶۰۲۷، پنج‌شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۵: ۴). بنابراین به تدریج توجه به موضوع برنامه‌ریزی برای ترسیم آینده اقتصادی و اجتماعی از میان روشنفکران و افراد تحصیل کرده به میان عامه مردم نیز آمده و به یک مسئله فراگیر تبدیل شده بود. چنان‌که یکی از موضوعات مهم روزنامه‌ها گردیده و جراید به آن پرداخته بودند.

طی قرن بیستم متأثر از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین‌المللی، روند توسعه فکر برنامه‌ریزی و نهادسازی در راستای برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی در ایران نیز تشدید شد (مک‌لئود، ۱۳۷۷: ۹-۱۱). اگرچه در ایران مکتب اقتصادی کلاسیک و تئوری دست‌نمائی بازار هیچ‌گاه حاکم نبود و دولت همواره نقش مستقیم در اقتصاد داشت (رزاقی، ۱۳۷۰: ۱۴۰-۱۴۱)؛ اما شکل‌گیری و گسترش دیدگاه‌های کینز در نظام سرمایه‌داری تحولات اقتصادی ایران را نیز متأثر ساخت. همچنان‌که فرمانفرمائی می‌گوید: «تزی سازمان‌برنامه و ما این بود که به‌وسیله دولت می‌توانیم در مکانیسم بازار دخالت کنیم و با این سرعت می‌توانیم مملکت را خیلی سریع‌تر پیش ببریم» (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

در دوران موردبحث به‌رغم بهبود درآمدهای ارزی کشور،^۱ اوضاع اقتصادی رو به وخامت گذاشت (افشاری، ۱۳۸۹: ۲۲۴؛ رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۵). لذا اصلاحات اقتصادی جهت بهبود سطح زندگی و موقعیت سیاسی ایران ضروری به نظر می‌رسید؛ بنابراین در ۲۳ مرداد ۱۳۲۳ ه.ش در کابینه مساعد با تشکیل مجدد شورای اقتصاد دوباره طرح برنامه‌های اقتصادی به‌منظور تثبیت وضعیت اقتصادی کشور آغاز شد. این شورا که این‌بار شورای عالی اقتصاد خوانده شد، مرکب از ۲۴ نفر شامل ۱۸ نفر از افراد مطلع و بصیر در امور اقتصادی به پیشنهاد نخست‌وزیر بود که توسط هیئت‌وزیران برای مدت ۳ سال و ۶ نفر دیگر با اکثریت دو‌ثلث آراء ۱۸ نفر مزبور برای همان مدت تعیین می‌شدند. ریاست عالی شورا نیز با شخص نخست‌وزیر بود (اطلاعات، س ۱۹، ش ۵۵۳۹، دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۲۳: ۵)؛ اما شورای عالی اقتصاد نیز همانند شورای اقتصاد پیشین دستاورد چندانی نداشت (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۴۷). در این زمان بهبود وضع کارخانه‌های دولتی

۱. در دوره جنگ برائر مخارج نیروهای متفقین در ایران این کشور قوه خرید خارجی مشابهی به شکل طلا، نقره و ارز به‌دست آورد (ر. ک. به: شمیم، ۱۳۴۶: ۶۲).

توسط بانک صنعتی و معدنی پیگیری می‌شد (رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۶)؛ بنابراین می‌توان گفت این بانک عملاً وظایف سازمان برنامه بعدی را انجام می‌داد. همچنان که رضا نیازمند می‌گوید: «در مراجعت از آمریکا متوجه شدم که بنگاه صنعتی و بانک صنعتی همه تعطیل شده و به جای آن سازمانی به نام سازمان برنامه تشکیل شده است» (سعیدی، ۱۳۹۲: ۵۹). شمیم نیز یادآور می‌شود: «پس از تصویب لایحه برنامه هفت ساله اول سازمان برنامه به وجود آمد و وظایف بانک صنعتی و معدنی ایران به عهده سازمان برنامه گذاشته شد» (شمیم، ۱۳۴۶: ۶۲).

طی همین دوران ابتهاج که سال‌ها مشوق و هوادار اصلی برنامه‌ریزی بود و در پشت‌صحنه غالب افت‌وخیزهای استقرار برنامه‌ریزی در ایران حضور داشت، در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت محسن صدر (صدرالاشرف) لزوم تهیه برنامه را به منظور بهبود اوضاع کشور گوشزد نمود (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۰۷). آن‌گونه که ابتهاج می‌گوید این نامه نیز با کارشکنی محمود بدر وزیر دارایی سرانجامی نیافت (همان، ۱۳۷). نخست‌وزیری قوام در بهمن‌ماه ۱۳۲۴ قدمی تازه به سمت برنامه‌ریزی بود. ابتهاج مجدداً اهمیت برنامه‌ریزی را برای قوام و سهام‌السلطان بیات وزیر مالیه بیان نمود. در شرایطی که تداوم حضور نیروهای کمونیسم در ایران آینده مبهمی را برای کشور رقم زده بود قوام و اعضای کابینه‌اش به نظرات ابتهاج نسبت به برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی اقبال بیشتری نشان دادند. ابتهاج به اعضای دولت اعلام کرد که: «صرف نظر از این که چه اتفاقی رخ داده است، تنها راه نجات ایران برنامه‌ریزی است» (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۴۸). کمیسیون تهیه نقشه اقتصادی که در این زمان به فرمان قوام تشکیل شد؛ سوای همکاری وزارتخانه‌های داخلی، در صورت نیاز امکان بهره‌گیری رایگان از کمک‌های فکری کمیته اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و استفاده از مساعدت کارشناسان این کمیسیون برای مشاوره و کمک به تدوین برنامه‌ها را داشت (همان، ۱۴۹). سرانجام هیئت‌وزیران براساس پیشنهاد وزارت دارایی در هفدهم فروردین‌ماه ۱۳۲۵ طی تصویب‌نامه‌ای هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را به دبیر کلی دکتر علی امینی و به ریاست وزیر دارایی تشکیل داد (مرکز اسناد ملی ایران، ش ب ۲۹۷/۳۳۹۹: ۲؛ مشرف نفیسی، ۱۳۲۶: ۱). چند روز بعد از تشکیل این هیئت، وزارت امور خارجه گزارش حسین علاء سفیر ایران در واشینگتن مبنی بر ضرورت اصلاحات اقتصادی در کشور را جهت مطالعه لازم برای آن‌ها فرستاده بود (اسنادی از اصل ۴ ترومن در ایران، ۱۳۸۲: ۲). همچنین گرشام^۱ مستشار اقتصادی وزارت دارایی نیز درباره نحوه استفاده از سرمایه خارجی برای پیشرفت اقتصاد کشور با امینی دبیر کل هیئت مکاتبه نموده است (همان، ۱۵). حاصل کار هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی پس

از سه ماه، تشکیل هیئت عالی برنامه در نوزدهم مرداد ۱۳۲۵ با تصویب هیئت وزیران بود. مواد اول، دوم و سوم تصویب‌نامه به ترکیب هیئت عالی برنامه اشاره داشت و ماده چهارم آن شرح وظایف این هیئت بود که ریاست عالی آن به عهده نخست‌وزیر بود (مرکز اسناد ملی، ش ب ۲۹۷/۳۳۹۹: ۳؛ ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۱۳؛ مشرف‌نفیسی، ۱۳۲۶: ۱). در واقع می‌توان این تصویب‌نامه را نخستین و مهم‌ترین گام در جهت تشکیل سازمان برنامه در ایران دانست.

پس از آنکه پیش‌نویس برنامه هفت‌ساله^۱ از سوی هیئت عالی برنامه به هیئت وزیران ارائه شد عدم توانایی مالی کشور در اجرای این برنامه دولت ایران را بر آن داشت تا به پیشنهاد ابتهاج از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه وام بگیرد. لذا در سوم آبان ۱۳۲۵ سفارت ایران در واشینگتن تقاضای ۲۵۰ میلیون دلار وام را تسلیم مقامات بانک نمود. بانک نیز در پاسخ متذکر شده بود که متقاضی وام باید نوع و هزینه کارهایی که قرار است انجام بگیرد، برنامه مصرف سالیانه و نحوه استرداد وام را تشریح نماید (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۲۱؛ گود، ۱۳۷۲: ۱۱۲). یوجین بلک رئیس بانک در این خصوص می‌گوید: «بانک به همین اندازه به محیط اقتصادی کشوری که وام می‌گیرد توجه دارد. بانک در مذاکرات مربوط به وام همواره درخواست‌کننده را به تسویه دیون معوقه خارجی و اتخاذ یک سیاست سالم اقتصادی و مالی و تبدیل سرمایه‌گذاری عمومی به وسیله‌ای برای به جریان انداختن سرمایه خصوصی، نه وسیله‌ای برای کارشکنی در راه آن، ترغیب کرده است» (بلک، ۱۳۴۱: ۱۲۰). این موضع بانک موجب گردید تا توسعه در خاورمیانه پس از جنگ را مجموعه‌ای از طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش عمومی به‌عنوان پیش‌شرطی برای دریافت کمک از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و دولت آمریکا محسوب نمایند (کارشناسی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). به‌عبارت‌دیگر، برنامه‌ریزی و گرایش به آن خصوصاً در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم به سفارش آژانس‌های کمک بین‌المللی نظیر بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه نسبت داده شده است. سازمان‌هایی که اساساً شکل‌گیری آن‌ها در راستای اهداف جهان سرمایه‌داری قابل ارزیابی است.

به‌رغم این که دولت ایران نتوانست هیچ‌گونه وامی از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه دریافت نماید (شمیم، ۱۳۴۶: ۶۳)، اما در راستای تأمین نظر بانک در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۲۵ هفدهم دسامبر ۱۹۴۶ با شرکت مهندسین مشاور موريسن نودسن^۲ وارد مذاکره و عقد قرارداد شد (گزارش

۱. در ابتدا هیئت عالی برنامه قرار بود برنامه پنج‌ساله تنظیم نماید که به منظور فراهم ساختن زمان لازم برای مطالعه، پژوهش و ارزیابی پروژه‌ها دو سال به زمان برنامه اولیه اضافه شد. ر. ک. به (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

موريسن نودسن مقاطعه کاران عمومی، ۱۹۴۷: ۱). نمایندگان شرکت مزبور تحت دستور و مساعدت ابوالحسن ابتهاج، که از طرف قوام به عنوان نماینده رسمی دولت ایران در امور مربوط به قرارداد تعیین شده بود (همان، ۲) به ایران آمدند. آن‌ها با تأمین امکانات لازم از منابع مختلف (مرکز اسناد ملی، ش ب ۲۴۰/۲۵۰۹۵: ۳-۱)، پس از مطالعه طرح پیشنهادی ایران و تحقیقات گوناگون، در سه ماهه دوم سال ۱۳۲۵ ش گزارشی با عنوان «برنامه توسعه و عمران ایران» به دولت وقت تسلیم کردند (مجیدی، ۱۳۸۰: ۲۲؛ مک لئود، ۱۳۷۷: ۲۵). بدین ترتیب نقش بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و انعقاد قرارداد با شرکت آمریکایی در این زمان موجب گردید ایجاد سازمان برنامه در ایران را پس از جنگ جهانی به آن‌ها نسبت دهند (کارشناسی، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

گزارش شرکت موريسن نودسن مبنایی برای تهیه برنامه عمرانی اول شد که دکتر حسن مشرف نفیسی از سوی قوام در آبان‌ماه ۱۳۲۶ با سمت وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر و با همکاری هیئت عالی برنامه مأمور عملیاتی نمودن آن گردید (مشرف نفیسی، ۱۳۲۶: ۳). برنامه اولیه معروف به گزارش مشرف نفیسی که حاوی خلاصه نظریات هیئت عالی برنامه بود (همان، ۲)، در اردیبهشت ۱۳۲۷ پس از تصویب در دولت حکیمی به مجلس ارائه شد. مجلس نیز لایحه برنامه را در کمیسیونی به ریاست امیر اشرف افخمی و با حضور مشرف نفیسی و ابتهاج بررسی نمود. در حالی که لایحه برنامه در دست بررسی بود در شهریور ۱۳۲۷ دولت با تصویب ۲۵ میلیون ریال اعتبار جهت تکمیل کارهای سازمان موقت برنامه، اداره‌ای به نام «اداره کل برنامه» به ریاست مشرف نفیسی تأسیس نمود. لایحه برنامه نیز در بهمن‌ماه ۱۳۲۷ اندکی پس از برکناری مشرف نفیسی از ریاست اداره کل برنامه و در نخست‌وزیری ساعد تصویب شد. ابتهاج در خصوص تغییر و ترمیم دولت طی فرآیند تصویب برنامه می‌نویسد: «در مدت نزدیک به سه سال و نیم از اولین تقاضای کتبی من از دولت دایر بر تنظیم برنامه عمرانی تا تاریخ تصویب لایحه برنامه هفت‌ساله در مجلس یعنی از شهریور ۱۳۲۴ تا بهمن ۱۳۲۷، شش کابینه روی کار آمدند، شش بار دولت‌ها ترمیم شدند و هشت بار وزیر مالیه تغییر کرد. در تمام این مدت اشخاص بدین مایوس که با نهایت تأسف اکثریت طبقه حاکمه را تشکیل می‌دادند، از انتقاد و منفی‌بافی و ایجاد بدبینی نسبت به برنامه عمرانی خودداری نمی‌کردند» (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۲۸). ماده ۸ قانون اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی، تشکیل سازمان برنامه را پیش‌بینی نموده بود. در این ماده از قانون آمده: «نظارت و مراقبت در اجرای برنامه به وسیله سازمان مخصوصی که به اسم سازمان برنامه تأسیس می‌شود انجام خواهد گرفت» (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون‌گذاری، بی تا: ۳۰). سازمانی که مأموریت داشت طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی را قبل

از اجرا مورد بررسی قرار دهد، در ابتدا عملکرد و روند تصمیم‌گیری‌های آن مستقل از دخالت‌های دولت بود (شاهدی، ۱۳۸۹: ۳۴۶).

در شرایطی که لایحه برنامه هنوز به تصویب مجلس نرسیده بود، به توصیه بانک جهانی و در پی نیاز دوباره به وام، دولت ایران قراردادی با شرکت ماوراء بحار^۱ در شهریورماه ۱۳۲۷ امضا نمود. شاه مأموریت شرکت ماوراء بحار را بررسی توسعه اقتصادی و نحوه مصرف عایدات معتابه نفت برای انجام تحولات اساسی و احیای صنایع ایران بیان نموده است (پهلوی، بی‌تا: ۲۶۳). پس از انعقاد این قرارداد دولت آمریکا اعتباری ۲۵ میلیون دلاری در اختیار ایران گذاشت؛ امری که موجب شد آوری آغاز عصر برنامه‌ریزی اقتصادی ایران را با یاری دلارهای آمریکایی بداند (آوری، بی‌تا: ۳۲۷). به نظر می‌رسد مخبرالسلطنه نیز عبارت کنایه‌آمیز «منتظر نتیجه‌ایم و چشم‌به‌راه مساعدت همسایه» در خصوص برنامه هفت‌ساله را به همین منظور به کار برده است (مخبرالسلطنه، ۱۳۴۴: ۴۶۷). محمدرضا پهلوی در این رابطه می‌گوید: «مسئله تحقق برنامه هفت‌ساله‌ای را که در نظر داشتیم مورد توجه قرار دادم و کار را در حالی آغاز کردم که اوضاع چندان بر وفق مراد نبود. مطالعات مقدماتی انجام شده توسط گروه مشاوران آمریکایی ماوراء بحار حدود سه میلیون دلار خرج برداشته بود و نیز ۲۵ میلیون دلار لازم داشتیم تا بتوانیم اجرای طرح‌های عمرانی مورد نظر را آغاز کنیم، ولی ایالات متحده از پرداخت این مبلغ به ما طفره می‌رفت» (پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

طی همین دوران یک مشاور صنعتی آمریکا به نام مکس وستون تورنبرگ^۲ که خود را به عنوان یک مشاور غیررسمی به هیئت برنامه‌ریزی تحمیل کرده بود، در واقع از سوی سفارت آمریکا در تهران (بالدوین، ۱۳۹۴: ۵۹) مشغول بررسی فرایند برنامه‌ریزی و رایزنی در خصوص استخدام مشاوران خارجی بود (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۹). تورنبرگ از درخواست ایران به مشاوران ماوراء بحار حمایت نمود و خود بعدها ریاست هیئت مستشاران فنی را که رابط بین کنسرسیوم و برنامه هفت‌ساله بود برعهده داشت (گود، ۱۳۷۲: ۱۱۶). با توجه به توصیه شرکت مورینسن نودسن در تأمین مالی از طریق وزارت خارجه آمریکا (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۹)، تلاش تورنبرگ در انعقاد قرارداد با شرکت ماوراء بحار در راستای سیاست وزارت امور خارجه آمریکا در امر برنامه‌ریزی در ایران قابل ارزیابی است. البته تورنبرگ خود به تفاوت برنامه‌ریزی و برنامه هفت‌ساله در ایران با برنامه‌های رفورمی اروپا هم از نظر قانونی و اقتصادی اذعان نموده و دلیل آن را در انجام

۱. شرکت ماوراء بحار (Overseas consultants incorporated)، کنسرسیومی متشکل از ۱۱ شرکت مهندسی

آمریکایی که برای کار در ژاپن راه‌اندازی شده بودند. ر.ک به: (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۹)

2. Max Weston Thornburg

برنامه‌ریزی در ایران توسط سیاسیون می‌داند (Thornburg, 1964, 24). امری که لوتز^۱ رئیس هیئت متخصصین شرکت ماوراء بحار در مصاحبه مطبوعاتی، آن را مذموم دانسته و گفته بود: «کار برنامه و اجرای آن باید به کلی از سیاست روز مصون بوده، یعنی به هیچ وجه سیاست در آن دخیل نگردد» (اطلاعات، س ۲۲، ش ۶۸۰۱، پنجشنبه ۱۱ آذر ۱۳۲۷: ۱). تورنبرگ همچنین به حضور یک قاضی برجسته آمریکایی جهت بازبینی فعالیت قانون‌گذاری مجلس در خصوص برنامه هفت‌ساله طی همین دوران اشاره می‌کند (Thornburg, 1964, 38). سوای سرچشمه داخلی اندیشه برنامه‌ریزی در ایران، طی دوران پیشرفت و تدوین نخستین برنامه، چهار جریان خارجی بانک جهانی، سفارت آمریکا در تهران، دو شرکت مشاوره آمریکایی و یک شهروند آمریکایی به نام مکس وستون تورنبرگ در نتیجه نهایی نقش آفرینی کردند (بالدوین، ۱۳۹۴: ۵۴).

۹. بررسی دیدگاه مختلف در خصوص استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران

علی‌رغم توسعه زمینه‌ها و گرایش به برنامه‌ریزی در داخل، به‌زعم بسیاری از منابع برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران تلاشی آگاهانه از سوی دولت به‌منظور بهبود اوضاع اقتصادی نبود. بلکه باید برنامه‌ریزی اقتصادی طی این دوران را ابزار مدرن سرمایه‌داری غرب در راستای استعمار و استمرار روند استعمار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه قلمداد کرد. بدین ترتیب این گونه دیدگاه‌ها، نظام برنامه‌ریزی و استفاده از دانش تخصصی شرکت‌های آمریکایی در استقرار آن و تشکیل سازمان برنامه در ایران را در جهت برنامه‌های استعماری نظام سرمایه‌داری غرب خصوصاً آمریکا می‌دانند که بخشی از طبقه وابسته به استعمار در ایران - که فاتح جنگ و ارباب جدید و قوی خود را در استعمار آمریکایی می‌دید - به همکاری با آن پرداخت. مهم‌ترین اقدام برای تسلط بر اقتصاد ایران، تشکیل سازمان برنامه و برنامه‌های عمرانی بود تا جهت حرکت اقتصاد ایران به‌صورت منظم و دقیقی از سوی استعمار سرمایه‌داری تعیین و به اجرا گذاشته شود (رواسانی، بی تا: ۱۴۹). برخی دیگر انگیزه سیاسی تشکیل سازمان برنامه را به‌مثابه یک وزنه متقابل در برابر تبلیغات مطبوعات علیه شاه و دولت‌های خارجی، که تصور می‌شد شاه را برای تأمین مقاصد خود در قدرت نگه‌داشته‌اند، ارزیابی کرده‌اند (آوری، بی تا: ۳۳۷). آوری ضمن اینکه برنامه عمرانی هفت‌ساله را به دلیل فراهم‌نبودن بودجه، بی‌موقع به حساب می‌آورد، از آن به‌عنوان یک حرکت سیاسی سودمند در جلب موافقت مجلس برای تصویب قرارداد الحاقی نفت یاد می‌کند (همان، ۳۳۶). به‌این ترتیب با نظر به منافع بریتانیا از تصویب قرارداد الحاقی نفت می‌توان تحلیل نمود که آوری به نقش بریتانیا

1. John lotz

در پیدایش نظام برنامه‌ریزی نیز معتقد است. البته همراهی بریتانیا با منافع ایالات متحده دور از نظر نیست، چه آنکه برنامه‌های ایران در این زمان هم‌جهت با دیدگاه‌های بریتانیا در چارچوب سیاست‌های اقتصادی بود که کشورهای خاورمیانه باید برای افزایش سطح عمومی زندگی، در مناطقی که در خط مقدم مقابله بانفوذ کمونیسم داشتند، به اجرا می‌گذاشتند. حتی سفیر بریتانیا در تهران مأموریت یافته بود تا علاقه کشورش را برای کمک به ایران اعلام نماید (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۲). سوای این که برخی منابع نیز ابوالحسن ابتهجاج، مبتکر اصلی برنامه‌ریزی، را دست‌نشانده معلوم‌الحال انگلیس معرفی نموده‌اند (آرامش، ۱۳۶۹: ۱۹۲). این در حالی است که بالدوین برخورد سفارت بریتانیا را عاقلانه‌تر و بی‌تفاوت‌تر ارزیابی نموده و می‌نویسد: «آن‌ها (بسیاری از ایرانیان) به‌درستی متوجه شده بودند که این سازمان در شیوه‌های سنتی کسب و کار در ایران مداخله کرده و هرگونه تغییری احتمالاً خلاف منافع اقتصادی بریتانیا خواهد بود» (بالدوین، ۱۳۹۴: ۵۲).

اوج توجه به نقش آمریکا در برپایی نظام برنامه‌ریزی در ایران این بود که اقتصاد ایران پیشرفت پس از جنگ خود را از طریق برنامه‌ریزی و با کمک ایالات متحده آغاز نموده بود (دیگار، ۱۳۷۷: ۱۵۷). برخی معتقدند که در این هنگام توسعه و عمران بیشتر به‌صورت یک شعار درآمده بود تا یک حقیقت؛ و آن را افسونی می‌دانند که به‌وسیله آن بتوان سیل دلارها را به ایران جاری نمود (آوری، بی‌تا: ۳۳۸). شاه در خصوص کمک‌های خارجی در این زمان می‌گوید: «در سال ۱۳۲۷ برای پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور برنامه هفت سال اول را با مشورت متخصصین آمریکایی و تصویب مجلس شورای ملی ایران به‌مورد اجرا گذاشتم. عزم من آن بود به آمریکا و دنیا ثابت کنم که کشور ایران هرگونه کمکی را دریافت کند به مصارف سودمند و نافع خواهد رساند» (پهلوی، بی‌تا: ۱۵۹).

درحالی که شاه از نقش خود در اجرای برنامه هفت‌ساله اول سخن رانده، همچنین جای دیگر در توجه ویژه‌اش به برنامه‌ریزی چنین می‌گوید: «باید دید به چه کیفیت می‌توان دموکراسی اقتصادی منظور را با سرعت در کشور مستقر ساخت. قدم اول برای حصول این منظور تهیه نقشه و برنامه است؛ زیرا در دنیای کنونی اقتصادی کشور جز با تهیه طرح‌های جامع و اساسی پیشرفت نخواهد کرد» (همان، ۲۵۳). اما مجیدی در خاطرات خود از عدم توجه محمدرضا پهلوی به برنامه تا برنامه سوم سخن گفته و می‌نویسد: «شاه اصلاً اعتقاد نداشت به برنامه‌ریزی به آن معنایی که ما فکر می‌کردیم» (مجیدی، ۱۳۸۲: ۸۱).

رواسانی اکثر متخصصین و مهندسين ایرانی که در اداره سازمان برنامه نقش اساسی داشتند را به‌طور عمده از کسانی می‌داند که در رابطه مستقیم با استعمار سرمایه‌داری قرار داشته و جزئی از

طبقه حاکم وابسته بودند (رواسانی، بی تا: ۱۵۰). بدین ترتیب وی استخدام در سازمان برنامه را نیز در راستای اهداف استعمار ارزیابی نموده است. آوری نیز برنامه ریزی عمرانی را زمینه‌ای برای جذب و استخدام افراد حرفه‌ای ناراضی در سازمان برنامه می‌داند که دستگاه فربه دولت قادر به جذب و استخدام آنان نبود (آوری، بی تا: ۳۲۷).

دیدگاهی دیگر استقرار نظام برنامه ریزی در ایران را در راستای اصل چهار ترومن تحلیل نموده و اقدامات این سازمان را عملاً کارهایی دانسته که اداره اصل چهار قصد داشت صورت دهد (بهنود، ۱۳۷۴: ۴۴۹). ترومن چهار اصل معروف خود را در ژانویه ۱۹۴۹ / دی ماه ۱۳۲۷ زمانی که برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد به کنگره اعلام نمود و چهارمین اصل آن را کمک به قابل دسترسی کردن پیشرفت علمی و صنعتی و کمک مالی و اقتصادی به منظور تسریع رشد کشورهای درحال توسعه قرارداد تا بدین وسیله این کشورها را از افتادن در دام کمونیسم شوروی دور نگه دارد. بنابراین اصل چهار ترومن زمانی اعلام شد که برنامه هفت ساله در ایران تصویب و سازمان برنامه شکل گرفته بود. همچنین نخستین موافقت نامه هیئت آمریکایی برای کمک فنی به ایران نیز در ۲۷ مهر ۱۳۲۹ به امضای گریدی سفیر آمریکا و رزم آرا نخست وزیر ایران رسید که تا پایان فعالیت اصل چهار در ایران تحت عناوین هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران، اداره همکاری فنی آمریکا برای ایران و کمیسیون مشترک ایران و آمریکا فعالیت می کرد (اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران، ۱۳۸۲: هفت). البته آنچه در این خصوص لازم به مذاقه است این که در بهمن ماه ۱۳۲۹ از سوی نخست وزیر، سازمان برنامه به عنوان مرکز اصلی اداره امور مربوط به اصل چهار و هماهنگ کننده اداره اصل چهار و دستگاه های دولتی قرار می گیرد (همان، ۸۱) که به نظر می رسد از مسئولیت تعریف شده برای سازمان برنامه در برنامه هفت ساله اول نشأت گرفته باشد.

در میان دیدگاه هایی که زمینه استفاده از نظام برنامه ریزی در ایران را در راستای اهداف نظام سرمایه داری و خصوصاً ایالات متحده می دانند آنچه بیشتر قابل مذاقه است مقابله با نفوذ کمونیسم از آغاز جنگ سرد در سال ۱۹۴۶ م می باشد. موضوعی که برخی تحقیقات جدید با نادیده گرفتن تلاش های نخستین ایرانیان در امر برنامه ریزی، تحولات جهانی پس از جنگ جهانی دوم، کسب آگاهی سیاسی توسط کشورهای توسعه نیافته، تلاش این کشورها در جهت توسعه و رقابت دو بلوک قدرت برای جذب کشورهای توسعه نیافته را زمینه ساز ظهور برنامه ریزی در ایران دانسته اند (عظیمی آرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). سوای این که ایالات متحده طی جنگ جهانی دوم در راستای استراتژی مقابله با آلمان نازی اصلاحات گسترده ای در نظام حمل و نقل ایران و در تجهیزات شرکت نفت ایران و انگلیس به عمل آورد و کارخانه هایی برای مونتاژ هواپیما، کامیون و بشکه

نفت ساخت (گازپورسکی، بی تا: ۹۳). طی همین دوران نیز در جلوگیری از تلاش‌های شوروی برای به‌دست آوردن امتیاز نفت و افزایش نفوذ خود در آذربایجان در سال ۱۹۴۴م/۱۳۲۳ه‌ش از هیچ کوششی فروگذار نکرد (همان، ۹۴).

جنگ سرد نیز که نتیجهٔ رویارویی دو قدرت بزرگ جهانی آمریکا و شوروی بود تمامی معادلات سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل را به خود معطوف نمود. ایران نیز در این رویارویی نقش مهمی داشت و سیاست قدرت‌های بزرگ طی این دوران در قبال ایران عمدتاً براساس قواعد جنگ سرد تدوین و اجرا می‌شد. در واقع می‌توان شکل‌گیری حکومت‌های خودمختار کردستان و آذربایجان در ایران را نخستین نمود جنگ سرد دانست که از ایران شروع شد و ایالات متحده را متوجه خطر نفوذ کمونیسم در ایران نمود. موضوعی که از سال‌های قبل از جنگ جهانی اهمیتی فوق‌العاده یافته بود. جالب آنکه انعقاد قرارداد با شرکت موريسن نودسن، که نخستین حضور کارشناسی غرب در استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران بود، پنج روز پس از نجات آذربایجان در آذرماه ۱۳۲۵ صورت گرفت (شمیم، ۱۳۴۶: ۶۲).

همان‌گونه که اشاره شد خاستگاه تاریخی برنامه‌ریزی، نظام کمونیستی و کشور روسیه بود که این کشور را از کساد بزرگ مصون نگه‌داشت. از سوی دیگر تحولات بین‌المللی و گسترش اندیشه دخالت دولت در اقتصاد، گرایش به برنامه‌ریزی در حوزه سرمایه‌داری باهدف اشتغال کامل را نیز موجب شده بود. بدین ترتیب تحولات اقتصادی بین دو جنگ و پس از آن تا پایان جنگ جهانی دوم، شکل‌گیری دو شیوه برنامه‌ریزی کمونیستی و غربی با ویژگی‌های خاص هر یک را به دنبال داشت. بنابراین قرن بیستم، اوج توجه به مفهوم و نقش برنامه‌ریزی محسوب می‌شود و تبلور تمایل به دنبال کردن توسعه اقتصادی، در پذیرش تقریباً عام برنامه‌ریزی به‌عنوان مطمئن‌ترین و مستقیم‌ترین راه دست‌یافتن به پیشرفت اقتصادی بود (تودارو، ۱۳۷۸: ۴۴۳). چنان‌که طی این دوران بیش از هر زمان دیگری شاهد تأکید و امعان نظر در کاربرد برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی هستیم. پس از آنکه کشورهای در حال توسعه به‌منظور بهبود اوضاع اقتصادی به برنامه‌ریزی روی آوردند؛ ناچار یکی از دو شیوه فوق را الگو قرار دادند. تجربه موفق شوروی در برنامه‌ریزی موجب گردید تا برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورها از جمله ایران هواخواهانی بیابد. در این میان بلوک غرب و تکیه‌گاه اصلی ایدئولوژیک آن یعنی ایالات متحده در راستای مبارزه با نفوذ کمونیسم برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران را که از سال‌ها قبل میان روشنفکران جوانه زده و به تدریج همگام با تحولات بین‌المللی در میان سایر اقشار جامعه نیز طرفدارانی یافته بود تحت کنترل درآوردند. رواسانی می‌نویسد: «مسئله این بود که این برنامه‌ها در جهت احتیاجات استراتژی جهانی

آمریکا و در مبارزه علیه جنبش‌های ضداستعماری و توسعه نفوذ دولت شوروی تنظیم و به دست عوامل استعمار و یا نمایندگان مستقیم سرمایه‌های خارجی اداره شوند» (رواسانی، بی‌تا: ۱۴۹). در واقع کوشش کشورهای توسعه‌یافته خصوصاً آمریکا در برخورد با پدیده توسعه‌نیافتگی برآمده از فضای پس از جنگ جهانی دوم در راستای ممانعت از پذیرش نظام سوسیالیستی توسط کشورهای توسعه‌نیافته قرار داشت (رزاقی، ۱۳۷۰: ۲۲). اعتقاد دین آچسون^۱ وزیر امور خارجه ایالات متحده آن بود که توسعه اقتصادی بهترین امید ایران برای حفظ استقلال سیاسی خود است و سیاست اعلام‌شده ما برای ارائه کمک اقتصادی باید به‌طور کامل به اجرا درآید (بوستاک، ۱۳۹۵: ۱۵۲). به نظر می‌رسد که در اینجا مقصود آچسون ممانعت از توسعه نفوذ کمونیسم در ایران بود. در نهایت گرچه نمی‌توان از نقش بسیاری از عوامل خارجی در تسریع و تا حدودی هدایت روند استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران چشم پوشید، اما آغاز این فرایند کاملاً ایرانی بود. باین‌همه می‌توان گفت برنامه‌ریزی و سازمان‌برنامه‌اهدافی نبودند که متعاقب خواست، اراده و فشار عوامل بیگانه به ایران تحمیل شده باشند (بالدوین، ۱۳۹۴: ۵۲).

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با کاربست نظام برنامه‌ریزی در جهان سرمایه‌داری به‌منظور رهایی از بحران بزرگ، اندیشه برنامه‌ریزی در جامعه ایران نیز نخستین برنامه توسعه کشور را هرچند به صورت غیررسمی ارائه نمود. اندکی بعد استفاده از برنامه‌ریزی به منظور توسعه بدون استعانت و نقش‌آفرینی بیگانگان، با موافقت رضاشاه در قالب شورای اقتصاد صورت عمل به‌خود گرفت. اگرچه کارشکنی برخی مسئولان مخالف، امکان اقدامی بایسته را از شورای اقتصاد سلب نمود؛ اما در این زمان به‌عنوان نخستین اقدام عملی در به‌کارگیری برنامه‌ریزی از سوی ایرانیان حائز اهمیت است. همچنان‌که پس از عصر رضاشاه نیز متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور، اندیشه برنامه‌ریزی ضرورت به‌کارگیری آن را دوچندان می‌نمود. طی این دوران تلاش در استقرار نظام برنامه‌ریزی تدوین نخستین برنامه هفت‌ساله را در پی داشت. نیاز به منابع مالی بین‌المللی در این زمان، زمینه ورود نهادهای تازه‌شکل‌یافته جهانی براساس منافع نظام سرمایه‌داری را به جریان تکامل و استقرار نظام برنامه‌ریزی ایران فراهم نمود. به توصیه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه بود که استفاده از دانش تخصصی شرکت‌های مشاوره‌ای آمریکایی و برخی از شخصیت‌های این کشور در تدوین برنامه‌عمرانی اول، سهمی نیز برای ایالات متحده در این فرآیند تاریخی لحاظ نمود. بدین ترتیب

بدون توجه به سرچشمه ایرانی خواست و تمایل دولت و جامعه ایران به برنامه‌ریزی و سابقه آن پیدایش نظام برنامه‌ریزی در ایران در راستای استراتژی جهانی نظام سرمایه‌داری در مقابله با کمونیزم ارزیابی شد. با توجه به سابقه فکر برنامه‌ریزی و زمینه‌های آن در جامعه ایران اگرچه نمی‌توان منکر نقش عوامل خارجی در فرآیند شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی در ایران بود، اما باید گفت سرچشمه و منشأ اصلی آن کاملاً ایرانی بود و به‌هیچ‌روی برنامه‌ریزی و سازمان برنامه در اثر خواست و فشار عوامل خارجی به ایران تحمیل نگردید.

فهرست منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آرامش، احمد (۱۳۶۹). *خاطرات سیاسی احمد آرامش*. به کوشش غلامحسین میرزاصالح. چاپ اول. اصفهان: انتشارات جی.
- آوری، پتر (بی‌تا). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲*. ترجمه محمدرفیع مهرآبادی. ج ۲. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*. تهران: انتشارات علمی.
- استوارت، مایکل (۱۳۶۹). *کینوز*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. چاپ اول.
- *اسنادی از اصل ۴ ترومن در ایران (۱۳۴۶-۵۱۳۲۵ ش)* (۱۳۸۲). به کوشش تیمور بشیر گنبدی. تهیه و تنظیم مرکز اسناد ریاست جمهوری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افشاری، زهرا (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی اقتصادی*. تهران: سمت. چاپ اول.
- بالدوین، جورج بی (۱۳۹۴). *برنامه‌ریزی و توسعه در ایران*. ترجمه میکائیل عظیمی. تهران: نشر علم. چاپ اول.
- بلک، یوجین (۱۳۴۱). *دیپلماسی رشد اقتصادی*. ترجمه احمد جزایری. تهران: انتشارات مروارید.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۴). *از سیدضیاء تا بختیار دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۵۷*. بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
- بوستاک، فرانسیس، جونز، جفری (۱۳۹۵). *برنامه‌ریزی و قدرت در ایران ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه*. ترجمه مهدی پازوکی و علی حبیبی. چاپ اول. تهران: کویر.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱). *پاسخ به تاریخ*. ترجمه دکتر حسین ابوترابیان. تهران: ناشر مترجم.
- _____ (بی‌تا). *مأموریت برای وطن*. تهران: بنیاد پهلوی.
- *تاریخ مختصر عقاید اقتصادی* (۱۳۵۲). ترجمه هوشنگ نهاوندی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.

- تفضلی، فریدون (۱۳۹۳). **تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوران معاصر (از ۶۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ میلادی)**. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). **توسعه اقتصادی در جهان سوم**. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: بازتاب.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). **برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن**. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. چاپ اول.
- خلیلی‌خو، محمدرضا (۱۳۷۳). **توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه**. تهران: دفتر انتشارات جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی. چاپ اول.
- دیگار، ژان پیر، برنارو کارد، یان ریشار (۱۳۷۷). **ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر**. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر البرز.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۰). **الگوی برای توسعه اقتصادی ایران**. چاپ دوم. تهران: نشر توسعه.
- _____ (۱۳۷۵). **گزیده اقتصاد ایران**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رواسانی، شاپور (بی‌تا). **دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری**. بی‌جا: نشر شمع.
- زاهدی، علی (۱۳۴۲). **لزوم پروگرام صنعتی**. تهران: بی‌نا.
- سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۲). **تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران: به روایت دکتر رضا نیازمند**. تهران: لوح فکر. چاپ اول.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۹). **افول مشروطیت، زندگی‌نامه سیاسی دکتر منوچهر اقبال**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. چاپ اول.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۴۶). **ایران در دوره سلطنت اعلیحضرت محمدرضا پهلوی**. بی‌جا: انتشارات کتابخانه ابن‌سینا.
- شوستر، ویلیام مورگان (۱۳۸۵). **اختناق ایران**. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر ماهی. چاپ دوم.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۹۳). **توسعه، برنامه‌ریزی و فرهنگ (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها)**. به کوشش خسرو نورمحمدی. تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۵). **اقتصاد و دولت در ایران**. تهران: اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی. چاپ اول.
- فرمانفرمایان، خداداد (۱۳۸۰). **توسعه در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷ (خاطرات خداداد فرمانفرمایان، عبدالمجید مجیدی، منوچهر گودرزی)**. ویراستار غلامرضا افخمی. تهران: گام نو. چاپ اول.
- کارشناسی، مسعود (۱۳۸۲). **نفت، دولت و صنعتی‌شدن در ایران**. ترجمه یوسف حاجی عبدالوهاب و دکتر علی‌اصغر سعیدی. تهران: گام نو. چاپ اول.

- کمالی، مسعود (۱۳۸۱). **جامعه مدنی دولت و نوسازی در ایران**. ترجمه کمال پولادی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
- گازپوروسکی، مارک ج. (بی‌تا). **سیاست خارجی آمریکا و شاه بنای دولتی دست‌نشانده در ایران**. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- گرنویل، جان اشلی سومز (۱۳۷۸). **تاریخ جهان در قرن بیستم**. ترجمه جمشید شیرازی. فضل‌الله جلوه و علی اصغر بهرام‌بیگی. زیر نظر هرمز همایون‌پور. ج ۱. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- گود، جیمز اف (۱۳۷۲). **آمریکا در بی‌خبری (۳۰-۱۳۲۵ ه‍.ش)**. ترجمه دکتر احمد شهسا. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ اول.
- **گزارش مورین نودسن مقاطعه کاران عمومی (۱۹۴۷)**. شرکت مورین نودسن. بی‌جا. بی‌نا.
- مارشفسکی، ژان (۲۵۳۵). **برنامه‌ریزی سوسیالیستی**. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- **مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون‌گذاری (بی‌تا)**. تهران: چاپخانه مجلس.
- **مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانون‌گذاری (۱۳۵۰)**. تهران: چاپخانه مجلس.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۲). **خاطرات عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه (۱۳۵۶-۱۳۵۱)**. ویراستار حبیب‌الله لاجوردی. چاپ سوم. تهران: گام نو.
- مشرف‌نقیسی (۱۳۲۶). **گزارش آقای دکتر مشرف نقیسی راجع به برنامه هفت‌ساله**. بی‌جا: بی‌نا.
- مک لئود. تاس. اچ، (۱۳۷۷). **برنامه‌ریزی در ایران**. ترجمه علی اعظم‌بیگی. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۹). **توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی**. تهران: دانشگاه پیام نور. چاپ اول.
- میلیسو، آرتور (۱۳۷۰). **آمریکایی‌ها در ایران**. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر البرز. چاپ اول.
- _____ (۲۵۳۶). **مأموریت آمریکایی‌ها در ایران**. ترجمه دکتر حسین ابوترابیان. تهران: انتشارات پیام.
- هانت، ای. ک (۱۳۸۱). **تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی: مالکیت و رسالت**. ترجمه سهراب بهداد. تهران: آگه. چاپ اول.
- هدایت، مهدیقلی مخبرالسلطنه (۱۳۴۴). **خاطرات و خطرات گوشه‌هایی از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من**. تهران: زوار. چاپ دوم.

روزنامه‌ها

- **روزنامه اطلاعات**. س ۱۹. ش ۵۵۳۸. یکشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۲۳، **روزنامه اطلاعات**. س ۱۹. ش ۵۵۳۹. دوشنبه ۲۳ مردادماه ۱۳۲۳، **روزنامه اطلاعات**. س ۲۰. ش ۶۰۱۸. یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۵، **روزنامه اطلاعات**. س ۲۰. ش ۶۰۲۷. پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۵، **روزنامه اطلاعات**. س ۲۲. ش ۶۸۰۱. پنجشنبه ۱۱ آذرماه ۱۳۲۷.

اسناد

- **مرکز اسناد ملی ایران**، شماره بازایی ۱۰۲۲۱/۲۴۰. ۱۳۵۳۸. ۲۴۰/۲۵۰۹۵. ۲۹۷/۳۳۹۹. ۲۴۰/۲۵۰۹۵.

References

- Afshārī, Z. 2001. Barnāmih Rīzīyi Iktisādī. 1st (Ed). SAMT, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- (Anonymous). 1973. Tārīkhi Mukhtaşari ‘Aqāyidi Iktisādī. 1st (Ed). Tehran University, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Arāmish, A. 1991. Khātirti Siyāsīyi Ahmadi Arāmish. Gh. Mīrzā Şālih. (Editor). Djiy, Isfahan. (In Persian) (**Book**)
- Avery, P. (n.d). Tārīkhi Mu‘āşiri Īrān az Ta’sīsi Pahlawī tā Kūditāyi 28 Murdādi 1332 S.H. M.R. Mihr Ābādī. (Translator). Vol.2. ‘Aṭāi, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- ‘Azīmī Ārānī, H. 2015. Tūsi‘iyih, Barnāmih Rīzīyi wa Farhang. 2nd (Ed). (Symposium). Kh. Nūr Muḥammadī. Niy, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Baldwin, G.B. 2015. Barnāmih Rīzīyi wa Tūsi‘ih dar Īrān. 1st (Ed). M. ‘Azīmī. (Translator). ‘Ilm, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Baṣhīr Gunbadī, T. 2003. Asnādī az Aşli 4 Trūman dar Īrān 1946-1967. The Presidency Document Center. Ministry of Culture & Islamic Guidance, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Bihnūd, M. 1995. Az Siyyid Dīyā’ tā Bakhtīyār; Dūlathāyi Īrān az Isfandi 1299 tā Şahrīwari 1357 S.H. Djāwīdān, (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Black, J. 1962. Dīplumsīyi Ruşhīdi Iktisādī. A. Djāzāyiri. (Translator). Murwārīd, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Bustak, F., J. Jones. 2016. Barnāmih Rīzīyi wa Kudrat dar Īrāni Abul Ḥasani Ibtihādī wa Tūsi‘iyih Iktisādī Zīri Sulṭīyih Şhāh. M. Pāzūkī. & ‘A. Ḥabībī. (Translators). 1st (Ed). Kawīr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Dīgar, J.P., B. Hourcade. & Y. Richard. 1999. Īrān dar Ḳarni Bīstum; Barrisiyi Ūdā’i Siyāsī, Iktisādī, Idjtimā’ī wa Farhangīyi Iran dar Yikşad Sāli Akhīr. ‘A.R. Hūşhāngi Mahdawī. (Translator). Alburz, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Farmānfarmāiyān, Kh. 2002. Tūsi‘iyih dar Īrān. 1st (Ed). Gh. Afkhamī. (Editor). Gāmi Nū, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Gasiorowski, M.J. (n.d). Siyāsti Khāridjīyi Āmrīkā wa Şhāh, Banāyi Dūlatī Dast Nişhāndih dar Īrān. 1st (Ed). F. Fāṭimī. (Translator). Markaz, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Gernoyle, J.A.S. 2000. Tārīkhi Djahān dar Ḳarni Bīstum. Vol.1. Dj. Şhīrāzī. & F. Djilwih. & ‘A.A. Bahrām Biygī. (Translators). H. Humāyūn Pūr. (Editor). Furūzān Rūz, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ghānī Nizhād, M. 2017. Iktisād wa Dūlat dar Īrān. 1st (Ed). Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Good, J.F. 1994. Āmrīkā dar Bīkhabarī 1947-1952. 1st (Ed). A. Shāhs. (Translator). Rasā, Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Hidāyat, M.M.A. 1966. *Khāṭirt wa Khāṭarāti Gūshihāi az Tārīkhi Shish Pādīshāh wa Gūshī az Dūriyih Zindigīyi Man*. 2nd (Ed). Zawār, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Hunt, A.K. 2003. *Takāmuli Nahādā wa Īdi'ūlūzhīhi Iktīšādī; Mālikīyat wa Risālat*. 1st (Ed). S. Bihdād. (Translator). Agāh, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ibtihādī, A. 1993. *Khāṭirti Abul Ḥasani Ibtihādī*. 'Ilmī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Īṭilā'āt Newspaper. (19), No. 5538. 1945/August/22, Sunday.
- Īṭilā'āt Newspaper. (19), No. 5539. 1945/August/23, Monday.
- Īṭilā'āt Newspaper. (20), No. 6018. 1946/April/4, Sunday.
- Īṭilā'āt Newspaper. (20), No. 6027. 1946/April/11, Thursday.
- Īṭilā'āt Newspaper. (22), No. 6801. 1948/December/2, Thursday.
- Kamālī, M. 2001. *Djāmi'iyih Madanī, Dūlat wa Nūsāzī dar Īrān*. K. Pūlādī. (Translator). The Center of Recognition of Islam and Iran, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Kārshināsī, M. 2004. *Naft, Dūlat wa Ṣan'atī Shudan dar Īrān*. 1st (Ed). Y. Hādījī 'Abdul Wahāb. & 'A.A. Sa'īdī. (Translators). Gāmi Nū, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- *Khalīlī Khū*, M.R. 1995. *Tūsi'iyih wa Nūsāzī dar Dūriy Riḍā Shāh*. 1st (Ed). Jihad Dānīshgāhī; Shahid Beheshti University, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- McLeod, T.H. 1999. *Barnāmih Rizīyi dar Īrān*. 1st (Ed). 'A. A'zam Biygī. (Translator). Niy, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Maḍjīdī, 'A.M. 2004. *Khāṭirti 'Abdul-Maḍjīdī, The Consulter of Minister and The Head of Plan and Budget Organization 1973-1978*. 3rd (Ed). H. Lādjiwardī. (Editor). Gāmi Nū, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Maḍjmū'ih Kawnni Mūdū'ih wa Muṣawabti Dūriyī Pānzdahumi Kānūn Gudhārī. (n.d). Maḍjlīs, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Maḍjmū'ih Kawnni Mūdū'ih wa Muṣawabti Dūriyī Pānzdahumi Kānūn Gudhārī. 1972. Maḍjlīs, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Marchowski, J. 1977. *Barnāmih Rīzīyi Susīyālīstī*. 1st (Ed). M. Farhang. (Translator). Iran National University, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Millspaugh, A. 1978. *Ma'mūrīyati Āmrīkāihā dar Īrān*. H. Abūtūrābīyān. (Translator). Payāmi, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. 1998. *Āmrīkāihā dar Īrān*. 1st (Ed). 'A.R. Hūshangi Mahdawī. (Translator). Alburz, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Morrison-Knudsen Company. 1947. *Guzārīshī Morrison-Knudsen; Muḳāṭī'ih Kārān 'Umūmī*. (n.n), (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Mūsawī Djahrumī, Y. 2011. *Tūsi'iyih Iktīšād wa Barnāmih Rīzīyi*. 1st (Ed). Payāmi Nūr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Nafīsī, M. 1948. *Guzārīshī Ākāyi Nafīsī Rādji' bi Barnāmīyih Haft Sālīh*. (n.n), (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Pahlawī, M.R. 1992. *Pāsūkh bi Tārīkhi*. H. Abūtūrābīyān. (Translator). Mutardjim, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. (n.d). *Ma'mūrīyat Barāyi Waṭanam*. Bunyādī Pahlawī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Rawāsānī, Sh. (n.d). *Dūlat wa Ḥukūmat dar Īrān dar Dūriyī Tasaluṭī Istī'mārī Sarmāyīdārī*. *Sham'*, (n.p). Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Razākī, I. 1992. *Ulgūi Barāyi Tūsi'iyih Iktīšādīyi Tūsi'iyih Iktīšādī*. 2nd (Ed). Tūsi'iyih, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. 1997. *Guzādiyih Iktīšād Īrān*. Amīr Kabīr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Sa'īdī, 'A.A. 2014. *Tīknūkrāsī wa Sīyāstguzārīyi Iktīšādī dar Īrān*. 1st (Ed). R. Nīyāzmand. (Editor). Lūhī Fīkr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- *Shāhdī*, M. 2011. *Ufūli Mashrūṭīyat, Zindigī Nāmīhiyī Sīyāsīyi Duktur Manūchīhr Iḳbāl*. 1st (Ed). Institute for Iranian Contemporary Historical Studies, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Shamīm, 'A.A. 1966. *Īrān dar Dūriyī Saṭṭanati A'lāḥadrat Muḥammad Riḍā Pahlawī*. Iḳbāl, (n.p). Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Shuster, W.M. 2005. *Iḳhtināki Īrān*. 2nd (Ed). H. Afshār. (Translator). Māhī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Stewart, M. 1990. *Kīnz*. 1st (Ed). Shiraz University, Shiraz. (In Persian) (**Book**)
- Tafaḍulī, F. 2014. *Tārīkhi 'Akāyidi Iḳtiṣādī az Aflātūn tā Dūrāni Mu'āṣir 600 B.C-A.D 2000*. 1st (Ed). Niy, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- The Center of Iran's National Document. No. 240/25095- 297/3399- 240/13538- 240/10221.
- Thornburg, M.W. 1964. *People and Policy in the Middle East*. VAIL-BALLOS, New York. (**Book**)
- Todaro, M. 1999. *Tūsi'iyih Iḳtiṣādī dar Djahāni Siwum*. Gh. Fardjādī. (Translator). Bāztāb, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Tūfīk, F. 2006. *Barnāmih Rīzīyi dar Īrān wa Čashmandāzi Āyandiyih Ān*. 1st (Ed). Management and Planning Organization, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Zāhidī, 'A. 1964. *Luzūmi Prūgrāmi Šan'afī*. (n.n), Tehran. (In Persian) (**Book**)

ضمائم



